

آسیب شناسی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران

جعفرییک زاد*^۱

علیرضا بهشتی فرد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰

چکیده

خصوصی سازی یکی از روندهای اصلی جهانی آموزش عالی است. با اینکه از دانشگاه‌های خصوصی در بسیاری از کشورهای خارجی استقبال شده است لذا عوامل متعددی باعث گسترش آموزش عالی خصوصی در کشورها می شود. تقاضای اجتماعی و سیاست دولت برای ارتقای سطح دانش مردم، سبب شده است که خصوصی سازی آموزش عالی در ایران شتاب زیادی را تجربه نماید. در نظر نگرفتن زیرساخت‌های لازم آموزش خصوصی در ایران باعث آسیب‌هایی به آموزش عالی شده است و مرور مبانی نظری و تجربی در این زمینه نشان داد که آسیب‌های فراوانی در این حوزه وجود دارد که مهمترین آن‌ها شامل توجه صرف به انتقال علم و نپرداختن به تولید آن، ضعف پژوهش و ناتوانی در ایجاد ارتباط با بخش‌های بکارگیرنده فارغ‌التحصیلان و ناکافی بودن اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌ها است. به نظر می رسد سازمان دهی مجدد بخش عمومی آموزش عالی و همسویی بیشتر آن با اهداف کلان آموزشی عالی در کشور ضروری باشد تا از اتلاف سرمایه‌های انسانی با تزریق علوم بی ثمر در این نوع از مراکز ممانعت شود.

واژگان کلیدی

آموزش عالی، خصوصی سازی، فارغ‌التحصیلان

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی گروه مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی بناب، ایران. (نویسنده مسئول: beikzad_jafar@yahoo.com)

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت دولتی (تطبیقی و توسعه) دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، ایران. (bhshtyl087@gmail.com)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

بی‌تردید، هنگامی نظام آموزشی کشور خروجی باکیفیت خواهد داشت که از فرایندهای آموزشی و برنامه‌های درسی باکیفیت استفاده نماید؛ این در حالیست که در کشور در سال‌های اخیر، کیفیت آموزش به موازات گسترش پوشش‌های آموزشی و رشد کمی، دچار افول شده است. تقاضای سیری‌ناپذیر اجتماعی برای تحصیلات عالی، دولت را بر آن داشت تا نسبت به تأسیس دانشگاه‌های غیردولتی غیرانتفاعی همت نماید. سرمایه‌گذاری در آموزش عالی یکی از اساسی‌ترین راه‌ها برای دستیابی به توسعه اقتصادی - اجتماعی است (حاجی آقایی و همکاران، ۱۳۹۹). توسعه هر کشور بستگی به وضعیت تحصیلات عالی دارد (ورما، ۲۰۱۷). در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما برنامه‌های خصوصی‌سازی به عنوان یک سیاست لازم‌الاجرا جهت رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد پذیرش واقع گردیده است (هاشمیان و همکاران ۱۳۹۴). خصوصی‌سازی یکی از اصلی‌ترین روندهای جهانی آموزش عالی است و مراکز آموزش عالی اساساً برای تحقق اهدافی چون کیفیت آموزش عالی و ارضای نیازهای متنوع فراگیران صورت گرفته است (ستوده، ۱۳۹۵). سهم آموزش عالی خصوصی در همه کشورها یکسان نیست. در لهستان، رومانی، مولداوی و لتونی، این سهم بیش از بیست درصد است. در کشورهایی مثل جمهوری چک، اسلواکی، کرواسی و اسلوانی کمتر از چهار درصد است (ارل و شاپاک، ۲۰۱۹). عوامل متعددی باعث گسترش آموزش عالی خصوصی در کشورها می‌گردد. در کشورهایی مثل ایران، تقاضای اجتماعی و سیاست دولت برای ارتقاء سطح دانش مردم، سبب این امر شد. در بعضی از کشورها اهداف اقتصادی دولت‌ها و حتی نیت سیاسی و عوامل فرهنگی باعث این گسترش شده است (لوی و زامتا، ۲۰۱۳). در آلمان مؤسسات آموزش عالی خصوصی اغلب در رابطه با سازمان‌دهی مجدد بخش عمومی آموزش عالی مورد بحث قرار می‌گیرند و فقط مؤسسات خصوصی مجاز هستند که هزینه‌های تحصیلات عالی را دریافت کنند. ورما (۲۰۱۷) بر این عقیده است که کاهش سرمایه‌گذاری دولتی و پیشنهاد برای تغییر روش مدیریت عمومی و رقابت بین دانشگاه‌ها سبب بروز اصلاحاتی در دانشگاه‌ها شده است. دولت دانشگاه‌ها را تشویق می‌کند تا از طریق یک رویکرد غیرمستقیم ابتکاری امور خود را به پیش ببرند. در نتیجه به کارایی و کارایی در هدف با توجه به تغییرات در تقاضای اجتماعی دست یابند.

۲. اهمیت و ضرورت خصوصی سازی آموزش عالی

تجربه جهانی نشان می‌دهد که رشد و گسترش کمی آموزش، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به دلیل فقدان امکانات مهارتی، مالی و کالبدی لازم، منجر به افت کیفیت آموزش می‌شود. لذا، برنامه‌های آموزشی، مواد و محتوای درسی و همچنین فرایندها و روش‌های یاددهی-یادگیری آموزش عالی با ویژگی‌ها، گرایش‌ها و واقعیات فرهنگ بومی و مقتضات عصر جهانی شدن فاصله دارند. از این رو، میان رسالت و کارکرد فرهنگ سازی نظام آموزش عالی و عملکرد موجود آن، شکاف افتاده است (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).

از جمله مطالعات انجام شده در ایران در بین دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی نشان می‌دهد که جامعه آموزشی کشور به ویژه اجتماع دانشگاهی، قادر به درونی سازی و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای آموزشی کشور به فضاهایی پویا و محرک برای کنش و فراکنش فرهنگی و ارتباطی نیستند (مقدس پور و همکاران، ۱۳۹۱). این در حالی است که در فضاهای آموزشی و فرهنگی، تعاملات محیطی و ارتباطی نقش محوری را بر عملکرد فرد در سازمان دارند. همچنین روحیه مدرک گرایی حاکم بر تفکر دانشجویان نمی‌تواند زمینه ساز توأم ساختن آموزش با پژوهش گردد؛ خصوصاً که عوامل برون سیستمی (اقتصادی، اجتماعی و...) امکان صرف وقت در این زمینه را کاهش می‌دهند

(یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، در آموزش های دانشگاهی کشور برنامه خاصی برای پرورش روحیه پرسشگری و ایجاد حساسیت های سیاسی، اجتماعی و انسانی دانشجویان دیده نمی شود. لذا به لحاظ فرایندی، ایجاد تغییرات بنیادی در دو بخش اصلی آموزش، یعنی «فرایندهای یاددهی - یادگیری» و «دگرگونی نظام ارزشیابی آموزشی» ضروری است. تا روش «حل مسئله» جایگزین روش «توصیفی» فعلی نگردد و کتاب های درسی به شیوه مسئله محور طراحی نشوند، امکان تربیت نیروهایی که محور توسعه باشند وجود ندارد. همچنین، نظام ارزشیابی در دانشگاه ها شبیه نظام ارزشیابی مدارس است. دانشگاه های کشور مکان تجربه و آزمایش نیست و شرط مناسب و ویژه ای برای تحقیق در آن وجود ندارد. شرط اول استاد بودن در دانشگاه های پیشرفته آن است که خود استاد، پژوهشگر باشد و این در حالی است که فقط پنج درصد اساتید تحقیق می کنند و نود و پنج درصد دیگر به تدریس می پردازند. نکته جالب اینجاست که وزارت علوم نیز چندان عکس العملی نسبت به این معضل نشان نمی دهد و حتی آن را امری طبیعی به حساب می آورد. مشاهده می شود که در همه نقاط جهان، یکی از نکاتی که باعث محدود شدن عملکرد و کیفیت آموزش عالی دولتی بوده است، مساله کمبود منابع مالی بود (پور احمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

عزیزی و همکاران (۱۴۰۰) تنوع بخشی را عامل رشد آموزش عالی خصوصی دانسته و یلدریم (۲۰۱۴) خصوصی سازی آموزش عالی را یک استراتژی سیاسی تلقی نموده است. ربیعی و نظریان (۱۳۹۰) عملکرد نادرست نهادهای دولتی آموزشی را سبب رشد آموزش عالی خصوصی دانسته اند. آراسته و جمشیدی (۱۳۹۳) وجود غیرانتفاعی ها را برای کاهش تقاضای اجتماعی ضروری دانسته است. پوراحمدی و همکاران (۱۳۹۷) از جوانان متقاضی دانشگاه خصوصی با هزینه شخصی صحبت به میان آورده است. در چنین شرایطی گسترش سریع خصوصی سازی در سیستم های آموزش - عالی جهان و تنوع رو به رشد اشکال و شیوه های آن، مجموعه ای از سؤالات پیچیده را برای محققان، متخصصان و سیاست گذاران در زمینه آموزش فراهم می کند. آراسته (۱۳۸۳) از یکسان بودن ساختار مؤسسات آموزش عالی خصوصی و دولتی می گوید و معتقد است آموزش عالی ایران برگرفته از نظامی متمرکز است و ساختار متمرکز پاسخگوی محیط پیچیده نخواهد بود.

تجربه غیر کارای دولت در اقتصاد، زمینه را برای بازنگری در میزان دخالت دولت در اقتصاد فراهم آورد. اسلانچوا (۲۰۱۰) مسئولیت و پاسخگویی ضعیف، نظارت ناکافی توسط دولت و ضعف حقوق مالکیت را از جمله نقاط ضعف مدیریت دولتی ذکر کرده اند. در واقع از آنجا که مالکیت بنگاه های دولتی در اختیار دولت و به نوعی تمامی شهروندان است، هیچ ناظری به تنهایی انگیزه کافی برای کنترل مدیران ندارد که همین امر بنگاه های دولتی را ذاتا نا کارآمد می سازد. پاسخ به این نا کارآمدی و نسخه قابل قبول برای چند دهه اخیر، خصوصی سازی به عنوان بخشی از ترکیب یکپارچه سیاست های بین المللی بوده است. از این رو دولت ها که خصوصی سازی، عمدتا از ایدئولوژی و نگرش آنها ناشی می شود، برنامه های خصوصی سازی را به منظور بهبود کارایی اقتصادی بنگاه های دولتی برمی گزینند و امیدوارند از این طریق، بازارهای ملی سهام آنها توسعه یابد و با تخصیص کارای منابع، رشد و شکوفایی اقتصادی فراهم گردد (منوریان و همکاران، ۱۳۹۵).

۳. خصوصی سازی

خصوصی سازی اصطلاحی فراگیر و متنوع است که به واگذاری کنترل عملیاتی موسسات در مالکیت دولت به بخش خصوصی منجر می شود و همراه مالکیت، قدرت نیز به مردم (در مقابل واژه دولت) و بخش خصوصی، منتقل می گردد که به معنای سپردن کار مردم به مردم است. منظور از قدرت، امکانات و فرصت های تصمیم گیری، سیاست گذاری و برنامه ریزی در اموری است که به بخش خصوصی واگذار شده است. لذا بسیاری از صاحب نظران معتقدند که اگر خصوصی سازی صرفاً به انتقال مالکیت محدود گردد و فضا برای آزادی عمل بخش خصوصی فراهم نشود، امر خصوصی سازی به هدف های مورد انتظار و به نتایج موثر دست نخواهد یافت (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۹).

پس از جنگ جهانی دوم رویکرد اغلب دولت ها ملی کردن خدمات و توجه به نقش دولت در اقتصاد و مالکیت بر آن بود؛ اما در سال های آخر دهه ۶۰ و آغاز دهه ۷۰ میلادی، افت کلی رشد اقتصادی به دلیل مشکلات برآمده از تاثیر دولت در اقتصاد موجب شد که متفکران به دنبال راه حل خروج از رکود باشند. در این رابطه پیتر دراگر نخستین بار در سال ۱۹۶۸ با اشاره به مفهوم اصلی خصوصی سازی اذعان کرد که دولت های باید مالکیت خدماتی که بر عهده دارند را به بخش خصوصی که صاحبان آن مردم هستند، ارائه کنند. این مفهوم در دهه بعدی توجه گسترده ای را به خود معطوف نکرد تا هنگامی که حزب محافظه کار در بریتانیا، آمریکا و فرانسه بر سر کار آمد و موجب شد توجه عموم به مفهوم و تاثیر خصوصی سازی بر اقتصاد جلب شود (پور احمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

به گفته اتیو (۲۰۱۳)، دانشگاه ها طی قرن های گذشته با منظور داشتن دیدگاه سنتی نسبت به دانش، برنامه های درسی را چنان تنظیم کرده اند که دانش به خاطر ماهیت اش مورد توجه بوده است. در این دیدگاه سنتی ضرورت گنجاندن مفاهیم و مباحث در برنامه آموزشی صرفاً در چارچوب انتقال مطالب به دانشجویان بوده است. وانگهی به واسطه تحولات معاصر، ارزش عملی دانش و کاربرد آن مورد توجه قرار گرفته و دیدگاهی نوپدید مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، ایجاد نهادها و سازمان های بین المللی، منطقه ای و ملی گوناگون برای ارزیابی و اعتبارسنجی آموزش عالی جهت بهبود کیفیت آموزش، پژوهش و عرضه خدمات تخصصی دانشگاه ها مورد توجه قرار گرفته است (تان و همکاران، ۲۰۱۵).

از سوی دیگر با توجه به افزایش روند تولید دانش نو و فن آوری در مقیاس جهان بازمینی در محتوای برنامه های درسی و شیوه های تدریس - یادگیری برای «ساختن دانش» ضروری می - نماید. جایگزینی آنچه در محتوای برنامه درسی کهنه شده است با دانش علمی روز و در نظر گرفتن جای لازم در برنامه درسی برای شناخت هویت فرهنگی ملی و قومی از جمله زمینه های مورد توجه در رشد کیفی آموزش به شمار می رود. به اعتقاد تدسکو (رئیس سابق دفتر بین المللی تعلیم و تربیت در ژنو) بر مبنای داده های موجود می توان این فرضیه را قبول کرد که محتوای برنامه های درسی در کشورهای در حال توسعه در بازنمایی میراث فرهنگی در مقیاس ملی و قومی از یکسو و عرضه فرهنگ علمی در مقیاس جهانی از سوی دیگر، ناتوان است. بدیهی است دامنه تغییرات کیفی فراتر از برنامه ریزی درسی و روش های تدریس و یادگیری است و مدیریت، سازماندهی، گزینش و تربیت اساتید و ارزیابی را نیز دربر می گیرد (جعفرپور، ۱۳۹۹). نارسایی های پژوهشی در آموزش عالی ایران لازمه پرداختن به تعالی در پژوهش بررسی و شناخت وضع موجود و به ویژه آسیب های آن است که موجب بروز مشکلات عدیده شده است.

۳-۱. شاخص های خصوصی سازی

اپریل (۲۰۱۹) سه شاخص را در تعریف خصوصی سازی مورد تأکید قرار می دهد: (۱) مشارکت بخش خصوصی برای ارائه خدمات و امکاناتی که معمولاً به عنوان مسئولیت های بخش عمومی و دولتی در نظر گرفته می شوند. (۲) انتقال دارایی ها، مدیریت و یا کارکردهای دولت به بخش خصوصی و (۳) تلاش در جهت کاهش عوامل کاهنده کارآیی در سازمان های عمومی از طریق تقویت انگیزه های بازار خصوصی. خصوصیسازی، انتقال بنگاه های تحت مالکیت دولت به مالکیت بخش خصوصی یا هر نوع انتقال مدیریت یا مالکیت از بخش دولتی به بخش خصوصی و حذف یارانه های دولتی به بخش خصوصی نیز تعریف شده است. ایده اصلی خصوصی سازی، فراهم کردن فضای رقابت، بهبود مکانیزم بازار و بهبود عملکرد مشاغل و کسب و کارهای خصوصی است. علاوه بر این، تئوری حقوق مالکیت، نظریه نمایندگی و نظریه انتخاب عمومی، همگی خصوصی سازی شرکت ها را توجیه کرده و بر نا کارآمدی شرکت های دولتی تأکید دارند. انتظار می رود که خصوصی سازی، مکانیزم ها و ساختار شرکت ها را تغییر دهد؛ انگیزه مدیران برای کسب و کار را دگرگون کند و نهایتاً عملکرد شرکت ها را بهبود بخشد.

۳-۲. هدف خصوصی سازی

هدف خصوصی سازی در ساده ترین شکل آن، گردش یا انتقال دارایی از یک سازمان غیرانتفاعی به مالکیت خصوصی برای اطمینان به تداوم و حفظ دارایی است. ورما (۲۰۱۷) مواردی چون شتاب بخشیدن به توسعه اقتصادی، بهبود رقابت پذیری، شفاف کردن تجدید ساختاری و مدرنیزه کردن شرکت ها، توسعه بازار سرمایه، کارایی عملکرد، تشویق به سرمایه گذاری خارجی و کارآفرینی، افزایش اشتغال، بهبود استانداردهای زندگی، کاهش بودجه دولت و توانایی آن در جهت توسعه سرمایه گذاری در امور زیربنایی، بهبود بهره وری دستگاه های دولتی و بهبود ارائه خدمات را از جمله اهداف خصوصی سازی بیان کردند. در ایران نیز هشت هدف به عنوان اهداف خصوصیسازی تعیین شده است: (۱) شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی؛ (۲) گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، (۳) ارتقاء کارایی بنگاه های اقتصادی و بهره وری منابع مادی و انسانی و فناوری؛ (۴) افزایش رقابت پذیری در اقتصاد ملی؛ (۵) افزایش سهم بخش های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی؛ (۶) کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت های اقتصادی؛ (۷) افزایش سطح عمومی اشتغال و (۸) تشویق اقشار مردم به پس انداز و سرمایه گذاری و بهبود درآمد خانوار. در حالی که خصوصی سازی شرکت های دولتی از جمله مهمترین تغییرات در ساختار بازار سرمایه محسوب می شود. مطالعات مربوط به حوزه خصوصی سازی، طیف وسیعی از موضوعات و بررسیها را شامل می شود. در مطالعات مذکور، عملکرد مالی، مدیریتی، نوآوری، کارآفرینی، سودآوری و... ناشی از خصوصی سازی مورد بررسی قرار گرفته است (جعفر پور، ۱۳۹۹).

۳-۳. خصوصی سازی در آموزش عالی

لوی و زامتا (۲۰۱۱) خصوصی سازی در آموزش عالی را به دو دسته کلی تقسیم می کنند که شامل: (۱) خصوصی سازی در درون بخش دولتی و (۲) رشد بخش خصوصی است که اسلانچوا دارست (۲۰۱۰) تقریباً همین دسته بندی را به این صورت بیان می کند: (۱) خصوصی سازی درونی که به بروز خصوصی سازی در آموزش عالی دولتی اشاره می کند و (۲) خصوصی سازی بیرونی که در واقع ظهور موسسات آموزش عالی خصوصی را بیان می کند؛ که این مقاله هر دو مفهوم را مدنظر دارد. خصوصی سازی اصول بازار را در سازماندهی و مدیریت فعالیت های موسسات آموزش عالی به

کار می‌گیرد. معیارهای خصوصی سازی برای آگاه سازی موسسات از هزینه‌ها و مدیریت کارآمد خود استفاده می‌شود. موسسات به جای وابسته بودن به اعتبارات دولتی به دنبال منابع جایگزین دیگر برای تامین اعتبار هستند. مالکیت و مدیریت موسسات حتی زمانی که معیارهای خصوصی سازی معرفی می‌شوند، ممکن است در اختیار مقامات دولتی باقی بماند. الگوهای خصوصی سازی در کشورهای مختلف متفاوت است.

این ممکن است به معنای متکی بودن به اعتبارات دولتی محدود و اعتبارات غیردولتی قابل توجه در بعضی کشورها و یا حمایت مالی قابل توجه دولت و اعتبارات غیردولتی محدود در دیگر کشورها باشد. شهریه دانشجویی و فروش کالاها و خدمات فکری می‌تواند به عنوان جایگزینی برای اعتبارات دولتی یا حداقل برای افزایش‌های بعدی در سطح اعتبارات دولتی باشد. هم چنین ترکیبی از اعتبارات دولتی و خصوصی، نسبت به هر کدام از اعتبارات به صورت مستقل، می‌تواند بسیج گسترده‌ای از منابع اجتماعی را فراهم کند؛ ایجاد رقابت و در نتیجه تلاش‌هایی که برای کارآمد کردن، تعالی و تناسب بخشیدن به آموزش عالی انجام می‌شود از فواید مسلم خصوصی سازی است (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۹).

۳-۴. خصوصی سازی در ایران

نظام عالی کشورمان طی چند دهه اخیر با چالش‌های متعددی نظیر رشد فزاینده متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و فشار از سوی جامعه برای مسئولیت پذیری و پاسخگویی بیشتر و... مواجه بوده است. کمبود منابع مالی مورد نیاز مؤسسات آموزشی برای توسعه دانشگاه‌ها و پاسخگویی به نیازهای مزبور به عنوان یکی دیگر از چالش‌های اصلی نظام آموزش عالی کشورمان مطرح بوده است (سالار و علیان نژادی، ۱۳۹۰). به همین علت، در آموزش عالی ایران الزامات قانونی مورد نیاز به منظور پاسخگویی به چنین چالش‌هایی پیشینی شده و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیز دستخوش تحولات زیادی شده‌اند. چالش مهم دانشگاه‌های ایران در این زمان کسب و ارتقای هویت علمی و فرهنگی با توسعه استقلال سازمانی و آزادی علمی به منظور افزایش بهره‌وری و تحقق رسالت‌های دانشگاه، افزایش اثر بخشی اجتماعی و پاسخگویی به دولت و جامعه و تحولات بازار کار و فناوری‌های جدید است. هر چند که این رویکرد در تعارض با نظام اداری و تصمیم‌گیری متمرکز کشور است و به همین دلیل هم با مقاومت روبرو شده و می‌شود (مهربان فر، ۱۳۹۵).

با این وجود در ده سال گذشته کمیت و کیفیت آموزش عالی در ایران از رشد خوبی برخوردار بوده است. هم اکنون حدود سه میلیون و هفتصد هزار نفر دانشجو در دانشگاه‌های دولتی، آزاد اسلامی و غیر انتفاعی مشغول به تحصیلاند که در این میان سهم بخش غیر دولتی غیر قابل انکار است. بحث خصوصی سازی در آموزش عالی برای اولین بار در سال، ۱۳۷۳ با مساله خصوصی سازی و واگذاری دانشگاه پیام نور به بخش خصوصی مطرح شد. این طرح که به دلیل محدودیت شدید منابع مالی دولت به مجلس ارائه شده بود، تصویب نشد. همچنین مصوبه برنامه دوم توسعه مبنی بر پرداخت ۳۰ درصد هزینه تحصیل از سوی دانشجو نیز به تصویب نرسید. در بند ۴ و ۵ خط مشی‌های اساسی بخش آموزش عالی برنامه دوم توسعه، بر ایجاد زمینه‌های مناسب قانونی جهت ایجاد دانشگاه توسط شخصیت‌های حقیقی و حقوقی غیردولتی تاکید شده و این روند توسط دولت پیگیری شده است (هادی، ۱۳۹۵). در این راستا ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و نمود آن در برنامه چهارم توسعه تأکیدی بر ادامه سیاست‌های اعمال محدودیت تصدی‌گری دولت و واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولت به بخش خصوصی است. ابلاغ سیاست‌های این اصل می‌تواند زمینه‌های لازم را در جهت اجرای خصوصی سازی در دانشگاه‌ها را فراهم آورد.

نمونه‌های ذیل شکل‌هایی از آموزش عالی خصوصی در ایران است: ۱- موسساتی که هزینه کامل خود را از استفاده کنندگانی نظیر دانشجویان یا کارفرمایان تأمین می‌کنند، اما تحت نظر برنامه ریزی‌های دانشگاه‌های دولتی ارائه می‌شوند، مانند دانشگاه‌های غیر انتفاعی و آزاد. ۲- شکل میانه‌ای از خصوصی سازی که در آن دولت با اهداف غیر انتفاعی، آموزش عالی را ارائه می‌دهد، اما سهم قابل توجهی از منابع آن از دولت، دانشجویان و خانواده‌های آنان تأمین می‌شود، مانند دوره‌های شبانه و کارشناسی ارشد آموزش محور. در مورد ایران به طور کلی به نظر می‌رسد که هزینه و شهریه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی در مقایسه با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی بسیار بالاست، بطوری که تنها دارندگان درآمدهای متوسط و بالا قادرند در این مراکز تحصیل نمایند و دانشجویان کم درآمد و بی بضاعت به واسطه اینکه توانایی پرداخت مخارج و شهریه این دانشگاه‌ها و مؤسسات را ندارند، از گردونه انتخاب خارج می‌شوند. از سویی دیگر گرچه نظام آموزش عالی در این کشور یک نظام متمرکز محسوب می‌شود که سیاست گذاری و برنامه ریزی آن توسط چند دستگاه رسمی دولتی انجام می‌گیرد، اما عمده هزینه‌های آن بر دوش مردم است، به طوری که بیش از چهار پنجم دانشجویان در ایران در دوره‌های شهریه ای مشغول به تحصیل اند و بخش عمومی، مسئولیت کمی در قبال تأمین هزینه‌های آموزش عالی برعهده دارد (ریعی و نظریان، ۱۳۹۰)؛ از سویی دیگر فساد اداری و عواملی همچون گسترش رقابت مبتنی بر بازار، جلوگیری از دخالت مسئولان، بکارگیری تعدد کم مسئول دولتی و مواردی اینچنینی نیازمند کنترل و دقت بیشتر است (بیک زاد و رحیم زاده، ۱۳۹۷).

۴. پیشینه تحقیق

شپیلی و همکاران (۲۰۲۰) به پژوهشی با عنوان تاثیر خصوصی سازی بر توانایی و فعالیت بازاریابی در لهستان پرداختند. به عقیده آن‌ها خصوصی سازی یکی از عناصر اصلی اصلاحات در اروپای مرکزی و شرقی بوده است، با این حال اثرات آن بر قابلیت بازاریابی و عملکرد شرکت نامشخص است. این مطالعه تعدادی از فرضیه‌های مربوط به اثرات خصوصی سازی بر قابلیت بازاریابی، فعالیت‌ها و عملکرد در لهستان را آزمایش می‌کند. نتایج اصلی این است که خصوصی سازی منجر به افزایش قابلیت بازاریابی، فعالیت‌های بازاریابی فعال‌تر، مانند اتخاذ اولویت‌های بلندمدت، تاکید بر ارائه کیفیت برتر به مشتریان و توسعه فعال‌تر محصول جدید می‌شود. بر اساس معیارهای مالی و مبتنی بر بازار، به نظر می‌رسد که شرکت‌های خصوصی سازی شده بهتر از هم‌تایان دولتی خود عمل می‌کنند.

ایرل و شاپاک (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی میزان تاثیر گذاری سیاسی خصوصی سازی در بهبود کیفیت و همچنین رفع مشکلات ساختاری، مقررات زدایی و چالش‌های موجود در این سیاست پرداخته است.

احمد و کوهن (۲۰۱۸) به پژوهشی با عنوان ویژگی‌ها و نگرش‌های ذینفعان در زمان خصوصی سازی: یک مطالعه موردی نیوزلند پرداختند. این تحقیق بینشی منحصر به فرد از ویژگی‌های ذینفعان ارائه شده توسط گروه‌های مختلف در طول خصوصی سازی ارائه می‌دهد. نویسندگان شناسایی کردند که در خلال خصوصی سازی، دولت ذینفع نهایی است که قواعد بازی خصوصی سازی را با نمایش ویژگی‌های قدرت، مشروعیت و فوریت تعیین می‌کند. ویژگی‌های نشان داده شده توسط سایر ذینفعان گذرا بود و تحت تأثیر برجسته بودن موضوع قرار گرفت. نویسندگان همچنین شناسایی کردند که ذینفعانی که هر سه ویژگی را نشان می‌دهند (دولت) رویکردی بدون پاسخ را برای مقابله با مسائل متضاد مطرح شده توسط سایر ذینفعان انتخاب کردند.

رولیم و همکاران (۲۰۱۷) به پژوهشی با عنوان برآورد تاثیر خصوصی سازی فرودگاه بر تقاضای خطوط هوایی: مطالعه رویدادی مبتنی بر رگرسیون پرداختند. نتایج اصلی نشان می دهد که خصوصی سازی باعث افزایش کلی تقاضای خطوط هوایی شد و فرودگاهی که به طور مشخص با بیشترین پتانسیل تقاضا و با بزرگترین نفوذ بازار از یک تازه وارد کم هزینه در حال رشد سریع شناخته شده بود.

تان (۲۰۱۵) در تحقیقی پیرامون آموزش عالی خصوصی در شیلی به موضوع مشکلات پرداخت شهری در این دانشگاهها پرداخته است. لوی (۲۰۱۳) در یک بررسی به مطالعه جوانب مثبت و منفی خصوصی سازی آموزش عالی در هند پرداخته است.

عزیزی و همکاران (۱۴۰۰) به پژوهشی با عنوان آسیب شناسی خصوصی سازی آموزش عالی ایران پرداختند. نتایج یافته های آن ها در قسمت آسیب های ساختاری تحت سه مقوله اصلی قانونی، سیاست گذاری و مدیریتی و سازمانی، در قسمت آسیب های کارکردی تحت سه مقوله آموزش و پژوهش و اشتغال، در قسمت آسیب های محیطی تحت سه مقوله فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار گرفت.

صمدی و همکاران (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان بررسی ارزشی-حقوقی رویکرد حاکمیت ایران به خصوصی سازی پرداختند. به عقیده آن ها مهم ترین هدف خصوصی سازی در اکثر کشورها افزایش کارآیی بنگاه ها و بهینه سازی تخصیص منابع بوده است. افزایش اندازه دولت، کاهش روند ارزش سهام واگذار شده به بخش خصوصی در سال های اخیر و عدم واگذاری مدیریت به بخش خصوصی درست در جهت عکس فرآیند خصوصی سازی و از نقاط ضعف اجرای قانون اصل ۴۴ قانون اساسی می باشد.

ظاهرپور و همکاران (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان تاثیر خصوصی سازی بر تغییرهای عملکرد و کارکرد شرکت های عرضه شده در بازار سرمایه ایران پرداختند. یافته ها حاکی از آن است که خصوصی سازی در ارتقای عملکرد و کارکرد اسمی بنگاه ها موثر است، ولی به توسعه عملکرد و کارکردهای حقیقی بنگاه ها منجر نمی شود. شکل گیری حاکمیت شرکتی، ماهیت سهامدار غالب پس از خصوصی سازی، نوع کنترل مدیریت بر کیفیت و جهت تاثیر خصوصی سازی بر تغییرهای عملکرد و کارکرد بنگاه ها موثر است.

جعفر پور (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان آسیب شناسی خصوصی سازی در ایران پرداخت. نتایج پژوهش نشان می دهد که در فرآیند خصوصی سازی، بیست چالش وجود دارد که عبارت اند از: (۱) نامساعد بودن فضای کسب و کار برای فعالیت بخش خصوصی؛ (۲) تلاطم محیط سیاسی و تاثیرپذیری اقتصاد ملی از آن؛ (۳) کم توجهی به اهلیت و سوابق خریداران؛ (۴) هدایت و نظارت غیر موثر بنگاه های خصوصی شده پس از واگذاری؛ (۵) عدم توجه به متغیرهای زمینه ای و تعیین اهداف ایده آل گرایانه؛ (۶) بی توجهی به طرف تقاضا در واگذاری ها؛ (۷) غفلت از اصلاح ساختار و آماده سازی شرکت ها؛ (۸) آشفتگی در سیاست گذاری و برنامه ریزی؛ (۹) ساختار نامتوازن هیات واگذاری با کارکردها و اهداف؛ (۱۰) تشتت نظرات اصلاحی ناشی از تعدد مراکز نظارتی؛ (۱۱) فقدان کارایی شورای عالی اجرای سیاست های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی؛ (۱۲) ضعف ساختاری دستگاه مجری خصوصی سازی؛ (۱۳) نگاه یکسان در واگذاری کلیه شرکت های مشمول خصوصی سازی؛ (۱۴) مقاومت ذینفعان دولتی با خصوصی سازی؛ (۱۵) حضور نهادهای عمومی غیردولتی در خصوصی سازی؛ (۱۶) فقدان تعهد کامل سیاسی نسبت به خصوصی سازی؛ (۱۷) تفکیک نه چندان شفاف وظایف حاکمیتی از تصدی گری؛ (۱۸) تغییر در گروه بندی شرکت های مشمول خصوصی سازی؛ (۱۹) عدم الزام

خریداران به سرمایه گذاری جدید و ارتقاء کارایی شرکت بعد از خصوصی سازی و (۲۰) بازاریابی غیرمنسجم بنگاه‌های مشمول واگذاری.

احمدی و نودهی (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان تحلیل عاملی مولفه‌های الزام اجرایی قبل از خصوصی سازی ورزش در ایران پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شش مولفه الزام اجرایی قبل از خصوصی سازی ورزش شناسایی شد که براساس بار عاملی به ترتیب شامل به‌روز کردن طرح جامع ورزش (۰/۹۲)، توانمند سازی بخش خصوصی (۰/۸۸)، نیروی انسانی توانمند (۰/۸۷)، نظارت و کنترل (۰/۸۵)، تشکیلات و ساختار (۰/۸۱) و خدمات (۰/۷۹) بود. با توجه به این نتایج مسئولین ورزش کشور می‌بایست قبل از واگذاری ورزش به بخش خصوصی باید به مولفه‌های الزام اجرایی توجه داشته باشند تا فرایند خصوصی سازی بتواند با شرایط مطلوبی انجام شود.

حاجی آقایی و همکاران (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان آسیب شناسی ساختاری موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی مازندران پرداختند. نتایج نشان داد در نهایت، ۲۶۳ گویه مشخص از سوی مشارکت کنندگان مطرح شد که در قالب سه مؤلفه اصلی یعنی رسمیت، تمرکز و پیچیدگی گنجانده شدند. مصاحبه شونده‌گان در مؤلفه اصلی رسمیت، بیشترین اهمیت را به مضمون وجود قوانین و مقررات در زمینه‌های مختلف در مؤسسات غیرانتفاعی و در مؤلفه اصلی تمرکز، بیشترین اهمیت را با ۵۰ بار تکرار به جایگاه خصوصی سازی آموزش عالی در ایران دادند. در مؤلفه پیچیدگی نیز بیشترین اهمیت را با ۲۹ بار تکرار به نقش و تأثیر هیئت مؤسس و هیئت امنا در امور این مؤسسات دادند.

جعفرپور (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان آسیب شناسی خصوصی سازی در ایران پرداخت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در فرایند خصوصی سازی، بیست چالش وجود دارد که عبارتند از: (۱) نامساعد بودن فضای کسب و کار برای فعالیت بخش خصوصی؛ (۲) تلاطم محیط سیاسی و تأثیرپذیری اقتصاد ملی از آن؛ (۳) کم توجهی به اهلیت و سوابق خریداران؛ (۴) هدایت و نظارت غیر مؤثر بنگاه‌های خصوصی شده پس از واگذاری؛ (۵) عدم توجه به متغیرهای زمینه‌ای و تعیین اهداف ایده آل گرایانه؛ (۶) بی توجهی به طرف تقاضا در واگذاری‌ها؛ (۷) غفلت از اصلاح ساختار و آماده سازی شرکت‌ها؛ (۸) آشفتگی در سیاستگذاری و برنامه ریزی؛ (۹) ساختار نامتوازن هیأت واگذاری با کارکردها و اهداف؛ (۱۰) تشتت نظرات اصلاحی ناشی از تعدد مراکز نظارتی؛ (۱۱) فقدان کارایی شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی؛ (۱۲) ضعف ساختاری دستگاه مجری خصوصی سازی؛ (۱۳) نگاه یکسان در واگذاری کلیه شرکت‌های مشمول خصوصی سازی؛ (۱۴) مقاومت ذینفعان دولتی با خصوصی سازی؛ (۱۵) حضور نهادهای عمومی غیردولتی در خصوصی سازی؛ (۱۶) فقدان تعهد کامل سیاسی نسبت به خصوصی سازی؛ (۱۷) تفکیک نه چندان شفاف وظایف حا کمیته از تصدیگری؛ (۱۸) تغییر در گروه بندی شرکت‌های مشمول خصوصی سازی؛ (۱۹) عدم الزام خریداران به سرمایه گذاری جدید و ارتقاء کارایی شرکت بعد از خصوصی سازی و (۲۰) بازاریابی غیرمنسجم بنگاه‌های مشمول واگذاری.

طوطیان، یاری و جمالی (۱۳۹۸) به پژوهشی با عنوان آینده نگاری بررسی خصوصی سازی بانکهای دولتی با سود آوری آنها (مطالعه موردی بانک ملت) پرداختند. نتایج یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که ضریب برآوردی متغیر خصوصی سازی بر بازده دارایی‌ها برابر با ۰,۳۲۱ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیر خصوصی سازی بر بازده دارایی‌ها تاثیر دارد. همچنین ضریب برآوردی متغیر خصوصی سازی بر بازده حقوق صاحبان سهام برابر با ۰,۰۰۳ می‌باشد ولی سطح

معناداری آماره t متغیر مستقل تحقیق از سطح خطای ۵ درصد بزرگتر است، پس تاثیر خصوصی سازی بر بازده حقوق صاحبان سهام بانک رد شد.

پوراحمدی و همکاران (۱۳۹۷) به پژوهشی با عنوان آسیب شناسی اجرای خط مشی های خصوصی سازی در ایران پرداختند. تجزیه و تحلیل داده ها به شکل گیری ۸۱۲ کد اولیه، ۴۹ مضمون فرعی و ۱۱ مضمون اصلی شامل سازوکار ناکارآمد و غیراصولی واگذاری، ضعف ساختاری و قدرت و انگیزه کم بخش خصوصی، سازوکار نامناسب عرضه و تقاضای سهام، سازوکار ضعیف ارزیابی، نداشتن دیدگاه آینده نگرانه، ضعف های فرهنگی، ضعف های روانشناختی، حاکمیت منطبق کاپیتالیستی، حمایت و پشتیبانی مالی ضعیف از بخش خصوصی، بی انضباطی سیاست های مالی دولت، فعالیت و سیطره شبه دولتی ها در اقتصاد، محیط غیررقابتی اقتصاد ملی، دخالت بیش از اندازه دولت در اقتصاد، تدوین و اجرای نامناسب قوانین و مقررات، هم راستایی اندک تصمیم ها و اقدام های مربوط به نهادهای مسئول انجامید. در کل آن ها نتیجه گرفتند که اجرای ناقص، غیر علمی و سیاست زده خصوصی سازی در ایران سبب شده است که با وجود تلاش های بسیار از مزایای آن برای کشور کاسته شده و مضرات آن نیز تشدید شود.

پوراحمدی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهش خود با عنوان میزان رضایت دانشجویان در موسسات آموزش عالی خصوصی گزارش کرد که دانشجویان این موسسات از مدیریت آموزش رضایت نسبی دارند و از کیفیت آموزش در این مؤسسات رضایت ندارند. روش ها و مدل های مختلفی بر اساس سهم دولت و بخش خصوصی در تأمین منابع مالی مدیریت و مالکیت آموزش عالی اجرا می شود. همچنین، نیازهای مختلف موجود در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به این معناست که انگیزه های خصوصی سازی با هم فرق دارند و شکل خصوصی سازی پذیرفته شده نیز خاص هر کشور و شرایط اقتصادی و جمعیتی آنجا است و حضور بخش خصوصی در کشورهای مختلف بسته به نوع رژیم سیاسی، ماهیت چالش های پیش رو، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور همواره با موانعی روبرو بوده است (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۹).

رضائیان و همکاران (۱۳۹۷) به پژوهشی با عنوان آسیب شناسی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی غیر دولتی - غیرانتفاعی پرداختند. یافته های تحقیق حاکی از آن است که مؤسسات غیرانتفاعی در امور علمی و پژوهشی با آسیب هایی نظیر توجه صرف به انتقال علم و نپرداختن به تولید آن، ضعف پژوهش و مشکل در برگزاری همایش های علمی رو به رو است. همچنین در حوزه آموزش نیز آسیب هایی از قبیل خالی ماندن ظرفیت پذیرش، همسان بودن رشته های موجود در مؤسسات همجوار، نداشتن امکان حضور در برخی از حوزه ها، ضعف در برقراری ارتباط با بخش های بکار گیرنده فارغ التحصیلان و ناکافی بودن اعضای هیئت علمی وجود دارد. همچنین وابسته بودن به درآمدهای حاصل از شهریه دریافتی از دانشجویان، فقدان وحدت رویه، نارسایی معیشتی و رفاهی اعضای هیات علمی و سایر کارکنان و احتمال بروز مشکلات مالی مواجه اند.

ربیعی و نظریان (۱۳۹۰) به پژوهشی با عنوان موانع خصوصی سازی آموزش عالی در ایران و ارائه راهکارهایی جهت رفع آن ها اقدام کردند. در یافته های تحقیق ۲۶ مشکل و مانع پیش روی خصوصی سازی دانشگاه ها مشخص شد که در این میان مواردی چون فقدان قوانین حمایت از سرمایه گذاری خصوصی، پایین بودن قدرت خرید مردم و عدم توان پرداخت شهریه، وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی، فقدان آزادی علمی در دانشگاه ها و تمایل دولت به تسلط در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ها از دیدگاه صاحب نظران از بالاترین اهمیت برخوردار بودند.

همچنین (شفاعی و همکاران، ۱۳۸۹) استراتژی های مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه های علوم پزشکی را براساس مدل تحلیل بهبود یافته SWOT تدوین نموده که دانشکده پرستاری و مامائی مراغه را بعنوان مطالعه موردی انتخاب کرده اند. در مشهد نیز (ترابی فرد، ۱۴۰۰) به ارزیابی نقش زنان در نظام آموزش عالی پرداخته و براساس نتایج بدست آمده از جامعه آماری ۱۰۹ نفره، نشان داده است که در جامعه آماری ذکر شده ارتباط معنا داری بین متغیر های فرهنگ مرد سالارانه، استفاده از روابط به جای ضوابط، محدودیت در ارتباط با همکاران مرد و تشویق و ترغیب خانواده به پذیرش پست های مدیریتی و مدیریت زنان در نظام آموزش عالی، وجود دارد.

۵. آسیب های خصوصی سازی آموزش عالی در ایران

علیرغم این که در پی سیاست گذاری توسعه آموزش عالی و ایجاد انواع دانشگاه ها، تنوع بخشی، پاسخگویی به نیاز متقاضیان آموزش عالی و رسالت و کارکردهای آموزش عالی جز مهم ترین اهداف بوده است، لیکن یافته های پژوهش اخیر حاکی از آن است که خصوصی سازی آموزش عالی از عهده انجام کارکردها برنیامده و دچار آسیب و کژکارکردی شده است. آسیب های شناسایی شده در این حوزه، نظام آموزش عالی را کشور را در مسیر نیل به اهداف راهبردی با چالش های اساسی مواجه می کند. آموزش عالی در اغلب مسائل باید تابع سیاست ها و خط مشی ها و ضوابط وزارتی باشند؛ حتی در مورد اینکه با یک دانشجوی مشروط چگونه باید برخورد شود یا در مسائل بسیار اولیه دانشجویان، کمیسیون موارد خاص باید در دانشگاه مرکز استان تشکیل شود. آن هم با یک فرایند طولانی و غیر منطقی. وجود این قوانین مانع چابکی سازمانی و تحرک مؤسسات است.

دانشگاه ها و مؤسسات خصوصی برای انجام مأموریت خود در امر آموزش عالی، تامین این منابع معمولاً از طریق دریافت بودجه از دولت و یا کسب درآمدهای اختصاصی صورت می گیرد و این در حالی است که بیشتر مراکز آموزش عالی خصوصی نه امکان استفاده از بودجه دولتی را داشته و نه از درآمدهای اختصاصی چندانی برخوردارند و منابع مالی آنها صرفاً از طریق دریافت شهریه از دانشجویان تامین می شود. نظر به آن که درآمد مذکور متأثر از عوامل گوناگون دستخوش تغییر مکرر است وابستگی بدان می تواند پیامدهای منفی را برای این گونه مراکز به همراه داشته باشد. نتایج تحقیق رضائیان و همکاران (۱۳۹۷) حاکی از این است که ۸۳/۸ درصد از مؤسسات آموزش عالی خصوصی وجود این آسیب را در سطح زیاد و یا بسیار زیاد پذیرفته اند. ۱۱/۱ درصد نیز وجود آن را تا حدی قبول کرده اند و این در حالی است که تنها ۵ درصد آن را در سطح کم و بسیار کم گفته اند. در مجموع با توجه به میانگین به دست آمده ۴/۲۸ می تواند وجود این آسیب را در مراکز یاد شده در سطح بسیار زیاد ارزیابی کرد.

مرور تحقیقات مختلف در این خصوص نشان می دهد که عوامل متعددی به عنوان آسیب های خصوصی سازی آموزش عالی مطرح هستند. از این آسیب ها می توان به وابستگی مالی مؤسسات به درآمدهای مؤسسات حاصل از شهریه، خالی ماندن ظرفیت پذیرش اعلام شده از سوی مؤسسات آموزش عالی، همسان بودن رشته های موجود در مؤسسات آموزش عالی همجوار، نداشتن امکان حضور در برخی از حوزه ها مانند پزشکی و علوم پایه به دلیل نیاز به سرمایه زیاد، فقدان وحدت رویه در مؤسسات غیرانتفاعی گوناگون، کمبود نارسایی معیشتی و رفاهی اعضای هیات علمی و سایر کارکنان در مؤسسات، نداشتن ارتباط کافی با بخش های استفاده کننده از فارغ التحصیلان مؤسسات در جامعه، احتمال بروز مشکلات مالی و انحلال آن، توجه صرف به انتقال علم و بی توجهی به تولید دانش، ضعف پژوهش و تحقیق در مؤسسات آموزش عالی، مشکل در برگزاری همایش های علمی، ناکافی بودن نسبت اعضای هیات علمی به دانشجو در

مؤسسات آموزش عالی، ورود داوطلبان فاقد صلاحیت برای تحصیل در این مؤسسات، جذب نکردن اعضای هیئت علمی تمام وقت برای صرفه جویی در هزینه‌ها، کافی نبودن ارتباط مؤسسات با سایر دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، به کار بستن روش مدیریتی دولتی در مؤسسات خصوصی، وجود دانشجوی سالاری به دلیل وابستگی به شهریه دانشجویان، کمبود وسایل کارگاهی و آزمایشگاهی و رایانه، توجه به آموزش با دید مادی، عدم برخورداری مؤسسات از کتابخانه تخصصی و اینترنت، ضعف در امور فرهنگی و دانشجویی مؤسسات آموزش عالی خصوصی و پایین آمدن کیفیت آموزش به دلیل عرضه زیاد اشاره کرد.

۶. نتیجه گیری و پیشنهادها

با وجود این که سیاست گذاری، قانون گذاری و تعیین خط مشی‌ها به عنوان مقدمات رسمیت یافتن و تدوین و تکوین فرآیندها به شمار می آید خصوصی سازی آموزش عالی از آسیب‌های عمده ای در این زمینه رنج می برد. بی توجهی به زمینه و شرایط مراکز آموزش عالی خصوصی در تدوین قانون‌ها و دستورالعمل‌ها، عدم توجه به آمایش سرزمینی و نیازهای بازار کار، تصدی گری و دخالت گری دولت به جای اعطای اختیار و نظارت گری، فقدان استقلال دانشگاهی و انعطاف در تصمیم گیری و انتخاب‌ها، آسیب‌های عمده ای است که در این بخش وجود دارد. هم چنین در شرایط جدید اقتصاد بازار آزاد، نتایج آموزشی و موفقیت کیفی دانشجویان به همان اندازه مهم است که دسترسی به آموزش عالی و برابری فرصت‌ها. کیفیت پایین آموزش به صورت بی سوادی در دانش آموختگان ظاهر می شود. مقصود از بی سوادی عدم کسب دانش کلاسیک نیست، زیرا بسیاری از همین دانش آموختگان زمانی که به خارج از کشور می روند، به خوبی قادر به رقابت با همگان خود می باشند، اما بدون تردید تحصیلات دانشگاهی، کیفیت لازم برای راه اندازی کسب و کارهای جدید را ندارد و حتی دانشجویانی که خوب درس خوانده باشند، قابلیت لازم برای راه اندازی یک کسب و کار مناسب را نداشته و از اعتماد به نفس لازم برخوردار نیستند. بدلیل فقدان کیفیت لازم در آموزش عالی اغلب صاحبان صنایع و خدمات شکایت دارند که آموخته‌های فارغ التحصیلان به روز نبوده و برای اکثر فارغ التحصیلان برای شروع به کار باید دوره‌های آموزش‌های ویژه به اجرا درآید تا آنان قادر به شروع کار گردند. اغلب دانش آموختگان دانشگاه از عنصر اعتماد به نفس و نوآوری و کارآفرینی بی بهره اند و نمی توانند مصدر تولیدات موثر باشند. عدم رعایت استانداردهای آموزشی و تقاضا محور نبودن رشته‌ها و فقدان ارتباطات موثر با نهادها و سازمان‌ها برای جذب و اشتغال فارغ التحصیلان نیز به این موضوع دامن می زند.

منظور از استقلال دانشگاهی برخورداری از آزادی و عدم پابندی به مقررات دست و پاگیر دیوان سالارانه دولتی در ارتباط با سازمان داخلی دانشگاه و مدیریت آن، توزیع داخلی منابع مالی، کسب درآمد از منابع غیر عمومی، استخدام کارکنان، شرایط تحصیل و برخورداری از آزادی در خصوصی چگونگی تدریس و پژوهش است. در صورت اجرای این طرح در کنار خصوصی سازی، دانشگاه‌ها به طور مستقل و خودگردان اداره شده و آموزش نیز به عنوان یک کالای عمومی عرضه می گردد و تناقضی با قانون اساسی نیز نخواهد داشت. در این صورت دانشگاه‌های بزرگ مستقلی خواهیم داشت که به راحتی می توانند با هم به رقابت پرداخته و به دور از دخالت‌های دولتی و قوانین دیوان سالارانه، با انعطاف و استقلال بیشتری در مدیریت فعالیت کنند البته در این راستا نیز قدم‌هایی برداشته شده که شامل تصویب بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه است. همچنین دانشگاه‌های ایرانی می توانند با تبلیغات گسترده جهت جذب دانشجوی و نیز انعقاد تفاهم نامه در زمینه اعزام اساتید به کشورهایی چون کشورهای همجوار و یا کشورهای آمریکای

لاتین زمینه رشد و تحرک خود را فراهم آورند. مباحث پیرامون آموزش عالی فرصتی برای فراتر رفتن از قیود سیاست‌های حزبی، ساختارهای منسوخ و نیز استفاده از بهترین استعداد‌های دانشگاه برای طراحی مجدد آموزش عالی متناسب با نیازهای آینده است. آینده جمعی ما وابسته به موفقیت در سیاستگذاری صحیح برای آموزش عالی است. ایجاد یک ساختار مناسب برای آموزش عالی یک وظیفه دشوار است که ممکن است طی سال‌ها و به آهستگی انجام شود. راهکارهای زیر در همین راستا و بر اساس یافته‌های پژوهش ارائه می‌گردد:

۱. تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری در آموزش عالی از طریق پیش بینی معافیت‌های مالیاتی، وام‌های کم بهره، معافیت‌های گمرکی، معافیت از عوارض شهرداری‌ها برای ساخت و ساز و تسهیلات لازم برای اخذ پروانه ساختمانی با گنجاندن تبصره‌های قانونی و تصویب مجلس شورای اسلامی.
۲. تمرکز زدایی و اعطای استقلال دانشگاهی جهت بهره گیری از چابکی بالذات نهادهای خصوصی.
۳. اتخاذ خط مشی‌های حمایتی که مساعد کننده زمینه‌های مشارکت بخش خصوصی است و امر آموزش و توسعه آن را تسهیل می‌کند؛
۴. اتخاذ سیاست‌های آموزشی که دانشگاه را به صنعت نزدیک تر بکند تا از این طریق تئوری‌های آموخته شده قدرت عملیاتی شدن بیشتری را داشته باشند؛
۵. ایجاد انعطاف و تنوع بیشتر در نظام پرداخت تسهیلات به دانشجویان با هدف ایجاد و فراهم کردن زمینه‌های اشتغال و کارآفرینی؛
۶. مشخص تر بودن سازوکارهای نظارتی خصوصا از نوع نظارت‌های دیوان محاسباتی بر دانشگاه‌ها؛
۷. پررنگ تر شدن نقش دولت‌ها بر اساس وظایف ذاتی خود که مبتنی بر نظارت‌های به موقع و مناسب است تا از این طریق این اهرم‌های نظارتی به عنوان تحریک کننده رقابت بین دانشگاه‌های خصوصی و غیر خصوصی باشد؛
۸. اتخاذ رویکردهای مناسب برای افزایش انعطاف پذیری شیوه‌های آموزشی و استفاده از مدیران موفق صنایع و کسب و کارها در خصوص انتقال تجارب موفق، خصوصا در موسسات خصوصی با محوریت قرار دادن افزایش اشتغال و کارآفرینی؛
۹. اصلاح قوانین و مقررات تضعیف کننده که در آن فارغ التحصیلان بخش خصوصی را در رده‌های پایین تری نسبت به فارغ التحصیلان دانشگاه‌های دولتی قرار می‌دهد؛
۱۰. اتخاذ رویکردهای تشویقی خصوصا خط مشی‌های پاداش دهی که بتواند با پاداش و تسهیلات مناسب فرایندهای رقابت آفرینی را که مبتنی بر شایستگی است در بین دانشگاه‌های خصوصی و دولتی فعال نماید.

۶. منابع و مآخذ

۱. احمدی، مجتبی و نودهی، محمد علی. (۱۳۹۹). تحلیل عاملی مولفه‌های الزام اجرایی قبل از خصوصی سازی ورزش در ایران، مدیریت ورزشی (حرکت)، دوره ۱۲ شماره ۱، ۲۰۱-۲۲۲.
۲. امیراسکندری، فرداد و رزمجویی، محرم. (۱۳۹۸). مطالعات تطبیقی خصوصی سازی و تدوین الگوی راهبردی مناسب برای ایران، پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۲۳ شماره ۹۲، ۲۰۱-۲۳۰.
۳. آراسته، حمیدرضا و جمشیدی، لاله. (۱۳۹۳). عوامل تاثیرگذار بر توسعه کمی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران، مجله علوم تربیتی، دوره ۲۱، شماره ۲، ۸۳-۱۱۲.

۴. بیک‌زاد، جعفر و رحیم‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی مسائل مدیریت دولتی ایران. چاپ اول، تبریز: انتشارات فروزش.
۵. پور احمدی، مهین؛ مختاریان پور، مجید و حسین قلی پوریاسوری، طهمورث. (۱۳۹۷). آسیب شناسی اجرای خط مش‌های خصوصی‌سازی در ایران، مدیریت دولتی، دوره ۱۰ شماره ۳، ۳۳۳-۳۵۹.
۶. ترابی فرد، مریم. (۱۴۰۰). زن و مدیریت آن در نظام آموزش عالی: مطالعه موردی مراکز آموزش عالی مشهد، همایش بین‌المللی دانش و فناوری هزاره سوم اقتصاد، مدیریت و حسابداری ایران، دوره ۴.
۷. جعفرپور، محمود. (۱۳۹۹). آسیب شناسی خصوصی‌سازی در ایران، بررسی‌های بازرگانی، دوره ۱۸ شماره ۱۰۴، ۲۹-۹.
۸. حاجی آقایی، محسن؛ آراسته، حمیدرضا؛ عبدلهی، بیژن و عباسیان، حسن. (۱۳۹۹). آسیب شناسی ساختاری موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی مازندران، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۱۰، شماره ۳۴، ۱۴۸-۱۲۸.
۹. ربیعی، علی و نظریان، زهرا. (۱۳۹۱). موانع خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران و ارائه راهکارهایی جهت رفع آن‌ها، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، دوره ۴، شماره ۲ پیاپی ۱۴، ۱۷۱-۲۰۶.
۱۰. رضائیان، مجید؛ توکل، محمد و نوه ابراهیم، عبدالرحیم. (۱۳۹۷). آسیب شناسی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی غیر انتفاعی - غیر دولتی، مدیریت و برنامه ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱۱، شماره ۲ پیاپی ۲۱، ۲۶-۹.
۱۱. سالار، زهرا و علیان نژادی، محسن. (۱۳۹۰). آسیب شناسی خصوصی‌سازی در ایران. همایش ملی خصوصی‌سازی در ایران، سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان.
۱۲. ستوده، رضا. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل روند توسعه آموزش عالی دولتی و خصوصی در ایران (مقایسه تطبیقی با کشورهای توسعه یافته). پایان نامه کارشناسی ارشد. علوم اقتصادی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان.
۱۳. شفاعی، مقصود؛ خان محمدی، سهراب و بیک‌زاد، جعفر. (۱۳۸۹). تدوین استراتژی‌های موسسات آموزش عالی و دانشگاه‌های علوم پزشکی با رویکرد مدل تحلیل بهبود یافته SWOT (مطالعه موردی: دانشکده پرستاری و مامائی مراغه - دانشگاه علوم پزشکی تبریز)، اولین همایش ملی دانشجویی مدیریت و فناوری‌های نوین در علوم بهداشتی، سلامت و محیط زیست، تهران.
۱۴. صمدی، امین‌اله؛ جعفرقلیخانی، ابوالفضل و یوسفی، محمدرضا. (۱۳۹۹). بررسی ارزشی-حقوقی رویکرد حاکمیت ایران به خصوصی‌سازی. پژوهش‌های اخلاقی (انجمن معارف اسلامی)، دوره ۱۰ شماره ۴، ۱۸۹-۲۰۶.
۱۵. طاهرپور، حبیب‌الله؛ مدرس، عبدالحمید و علایی کلجاهی، رضا. (۱۳۹۹). تاثیر خصوصی‌سازی بر تغییرهای عملکرد و کارکرد شرکت‌های عرضه شده در بازار سرمایه ایران. فرآیند مدیریت توسعه، دوره ۳۳ شماره ۱ پیاپی ۱۱۱، ۷۹-۵۷.
۱۶. طوطیان اصفهانی، صدیقه؛ یاری فر، رضا و جمالی، رضا. (۱۳۹۸). آینده‌نگاری بررسی خصوصی‌سازی بانکهای دولتی با سود آوری آنها (مطالعه موردی بانک ملت)، آینده پژوهی مدیریت (پژوهش‌های مدیریت)، دوره ۳۰ پیاپی ۱۱۷، ۶۸-۵۷.

۱۷. عزیزی، اسما؛ سرخابی، محمد؛ خراسانی، اباصلت و آراسته، حمیدرضا. (۱۴۰۰). آسیب شناسی خصوصی سازی آموزش عالی ایران، فصلنامه راهبرد توسعه، دوره ۱۷، شماره ۱ پیاپی ۶۵، ۱۳۳-۱۵۷.
۱۸. مقدس پور، سعید؛ دانایی فرد، حسن و کردنائیج، اسداله. (۱۳۹۱). واکاوی عوامل کلیدی در عدم موفقیت برخی خط مشی های عمومی در ج.ا. ایران: مطالعه خط مشی های مالیاتی کشور، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۱ شماره ۱ پیاپی ۲۷، ۳۳-۶۸.
۱۹. منوریان، عباس؛ محمدی، داریوش و محمدی فاتح، اصغر. (۱۳۹۵) خط مشی گذاری خوب در قوه مجریه، مدل سازی نقش ظرفیت های سازمانی و زمینه ملی، مدیریت دولتی، دوره ۸ شماره ۲، ۲۳۳-۲۵۴.
۲۰. مهربان فر، احسان. (۱۳۹۵). آسیب شناسی خط مشی گذاری دولت در عرصه خصوصی سازی بر مبنای نظریه داده بنیاد. مجلس و راهبرد، دوره ۲۳ شماره ۸۶، ۳۲۹-۳۵۰.
۲۱. هادی پیکانی، مهربان. (۱۳۹۵). درآمدی بر فرایند خط مشی گذاری عمومی. چاپ اول، اصفهان: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۲۲. هاشمیان، فخر السادات؛ زندیان، هادی و آقامحمدی، جواد. (۱۳۹۴). تحلیل مشارکت بخش خصوصی در نظام آموزش ایران، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، دوره ۳، شماره ۱۲، ۱-۲۶.
۲۳. یمنی دوزی سرخابی، محمد. (۱۳۹۸). کیفیت در آموزش عالی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
24. Ahmed, H., & Cohen, D. A. (2019). Stakeholder attributes and attitudes during privatisation: a New Zealand case study. *International Journal of Public Sector Management*.
25. Shipley, D., Hooley, G., Cox, T., & Fonfara, K. (1998). The effects of privatization on marketing capability and activity in Poland. *International Journal of Research in Marketing*, 15(4), 367-381.
26. Earle, J. S., & Shpak, S. (2019). Impact of privatization on employment and earnings. *IZA World of Labor*, (93v2).
27. Etieyibo, E. (2013). Preliminary reflections on the privatization policy in Nigeria. *African Journal of Economic and Management Studies*, 4(1), 144-152.
28. Karamanis, K., Zaridis, A. D., Rontogianni, A., & Mousiolis, D. (2015). Public or Private Telecoms? The Effects of Ownership on Greek Telecommunications Market the Effects of Ownership on Greek Telecommunications Market. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 175, 552-558.
29. Levy, D. C., & Zumeta, W. (2011). Private higher education and public policy: A global view. *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 13(4), 345-349.
30. Levy, D. C. (2013). The decline of private higher education. *Higher Education Policy*, 26(1), 25-42.
31. Rolim, P. S., Bettini, H. F., & Oliveira, A. V. (2016). Estimating the impact of airport privatization on airline demand: A regression-based event study. *Journal of Air Transport Management*, 54, 31-41.
32. Slantcheva-Durst, S. (2010). Private higher education in Bulgaria: Making a difference. *ASHE Higher Education Report*, 36(3), 37-50.
33. Tan, Y., Tian, X., Zhang, X., & Zhao, H. (2015). The real effects of privatization: Evidence from China's split hours structure reform. *Journal of Economic Surveys*, 29, 444-483.
34. Verma, C. (2017). Development Status of Higher Education in Northern India: A Review Study. *European Journal of STEM Education*, 2(1), 1.
35. Yıldırım, .. (1114). Effects of privatization on the quality of a public and a private primary school in Turkey. *European Journal of Research on Education*, 2014, 40-46.

Pathology of Privatization of Higher Education in Iran

Jafar Beikzad ^{*1}

Alireza Beheshtifard ²

Date of Receipt: 2021/12/19 Date of Issue: 2022/01/20

Abstract

Privatization is one of the major global trends in higher education. Although private universities are acclaimed in many foreign countries, so many factors contribute to the development of private higher education in countries. The social demand and government strategy to raise the level of knowledge of the people has produced a great acceleration of the privatization of higher education in Iran. Failure to consider the necessary infrastructure of private education in Iran has caused impairment to higher education and a review of theoretical and experimental foundations in this area indicated that there are many concerns in this area, the most important of which include simply transferring knowledge and not paying attention to production, the weakness of research and the inability to communicate with the departments employing graduates and the inadequacy of faculty members of the related type in the universities. It seems essential to reorganize the public sector of higher education and make it more favorable with the superior goals of higher education in the country in order to prevent the dissipation of human capital by inserting ineffective information in these centers.

Keyword

Higher education ,privatization ,graduates

1. Assistant Professor and Faculty Member ,Department of Governmental Management ,Islamic Azad University ,Bonab ,Iran (*Corresponding Author: beikzad_jafar@yahoo.com).

2. PhD Student in Governmental Management (Comparative and Development) Islamic Azad University ,Bonab Branch ,Iran (bhshty1087@gmail.com).

